



تاریخ

فرهنگ و تمدن اسلامی



تألیف:

آیت الله زین العابدین قربانی



قربانی، زین العابدین-

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی / زین العابدین قربانی - تهران: نشر سایه، ۱۳۸۵.

ISBN 964-5918-33-2

۳۸۴ ص.

۱. تمدن اسلامی - تاریخ، ۲. فرهنگ اسلامی - تاریخ، ۳. دانشمندان اسلامی. الف. عنوان.

ت ۵۵۱ ق

۹۰۹/۰۹۱۷۶۷۱

DS۳۵/ق۴۲



نشر سایه

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

تألیف: آیت الله زین العابدین قربانی

ناشر: نشر سایه

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۸۵

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ: نگارش

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

ISBN: 964-5918-33-2

شابک: ۹۶۴-۵۹۱۸-۳۳-۲

نشانی دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲

فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، روبروی اداره پست، پلاک ۲۲۶

پست الکترونیک: E-Mail: Nashre sayeh@yahoo.com

صندوق پستی: ۳۳۹-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۶۹۵۶۷۰۸

کس: ۶۶۹۵۶۷۰۷ همراه: ۰۹۱۲۱۱۳۰۶۷۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

## فهرست

- پیشگفتار ..... ۱۱
- درباره این کتاب؟ ..... ۱۶
- بخش اول: طرز تفکر اسلام درباره فرهنگ و تمدن ..... ۱۹
- اسلام و دانش و فرهنگ ..... ۲۱
- دانش و فرهنگ در انحصار گروه خاص ..... ۲۲
- حدود دانش در عربستان ..... ۲۴
- رابطه مذهب، دانش و فرهنگ ..... ۲۷
- چه عواملی باعث چنین پنداری شده؟ ..... ۲۹
- آیا ممکن است دین حقیقی با دانش و فرهنگ مخالف باشد؟ ..... ۳۳
- قلمرو علوم طبیعی ..... ۳۳
- قلمرو دین ..... ۳۴
- هدف بعثت انبیاء ..... ۳۶
- اعتراف دانشمندان ..... ۳۹
- نقش علم در پیشگیری از فساد ..... ۴۱
- اهمیت علم و دانش در اسلام ..... ۴۳
- پیکار همه جانبه با اهریمن جهل و بی‌سوادی ..... ۴۶

- ۴۶ ..... ۱- فراگرفتن دانش بر همه کس فرض و لازم است
- ۴۸ ..... ۲- احتکار دانش ممنوع است
- ۴۹ ..... ۳- تحصیل دانش، زمان خاصی ندارد
- ۵۱ ..... ۴- مشکلات زندگی و دوری راه نباید مانع از فراگرفتن دانش باشد
- ۵۲ ..... ۵- از هر کسی که ممکن باشد بایستی کسب دانش نمود
- ۵۳ ..... تعلیمات اجباری از نظر اسلام
- ۵۵ ..... روش پیغمبر اسلام و خلفاء
- ۵۹ ..... اسلام طرفدار کدام دانش و فرهنگ است؟
- ۶۳ ..... دفع یک توهم
- ۶۶ ..... توجه اسلام به سایر علوم
- ۶۹ ..... روش پیامبر و پیشوایان مذهب؟
- ۷۳ ..... جنبش فرهنگی عظیمی که اسلام به وجود آورد
- ۸۰ ..... نقطه آغاز
- ۸۱ ..... علم قرائت
- ۸۶ ..... علم تفسیر
- ۸۸ ..... مفسران نامی شیعه
- ۹۱ ..... تفاسیر اهل سنت
- ۹۶ ..... حدیث
- ۹۷ ..... تدوین حدیث
- ۱۰۴ ..... جوامع اهل سنت
- ۱۰۷ ..... جعل حدیث
- ۱۰۸ ..... راه شناسایی حدیث درست از نادرست
- ۱۰۹ ..... کتب رجال و درایه

۱۱۱	ادبیات
۱۱۱	لغت
۱۱۴	علم صرف
۱۱۴	علم نحو
۱۱۶	نزاع میان این دو گروه!!
۱۱۷	علم معانی و بیان
۱۱۸	علم بدیع
۱۱۹	علم عروض
۱۲۰	شعر
۱۲۵	بخش دوم: شعبه‌های مختلف علوم و فنون اسلامی
۱۲۷	علم تاریخ
۱۲۸	در رشته‌های مختلف
۱۳۱	۱- سبک‌های گوناگون
۱۳۲	۲- دقت در نقل مطالب
۱۳۳	۳- تجزیه و تحلیل و فضاوت‌های قاطع
۱۳۴	کلام و فلسفه الهی
۱۳۸	فرق علم کلام با فلسفه
۱۴۰	پیدایش کلام
۱۴۲	چهره‌های درخشان علم کلام
۱۵۱	متکلمین اهل سنت
۱۵۷	معروفترین چهره‌های درخشان فلسفه
۱۶۶	علم منطق
۱۶۸	تشیع و مسائل عقلی



۱۷۱	عرفان
۱۷۳	عرفان علمی و عملی
۱۷۷	علم فقه
۱۸۱	یک اعتراف جالب
۱۸۲	نفوذ قوانین غربی در کشورهای اسلامی
۱۸۳	ایجاد وحشت
۱۸۵	جامعه برین
۱۸۷	علم اصول فقه
۱۸۹	پیدایش و تکامل این علم
۱۹۵	اخلاق
۱۹۹	پیشرفت های علمی مسلمین
۱۹۹	طب
۲۰۲	نمونه ای از چهره های درخشان پزشکی
۲۱۰	پیشرفت در جنبه های مختلف پزشکی
۲۱۰	چشم پزشکی
۲۱۱	جراحی
۲۱۳	تأسیس بیمارستان های عمومی و سیار
۲۱۶	داروسازی و گیاه شناسی
۲۱۸	گیاه شناسی
۲۲۱	شیمی و صنعت
۲۲۸	فیزیک و مکانیک
۲۳۴	علوم ریاضی
۲۴۲	نجوم و ستاره شناسی

۲۵۸	..... طبیعی و زمین‌شناسی
۲۶۶	..... جغرافیا و جهانگردی
۲۷۴	..... روان‌شناسی
۲۷۷	..... معالجات روانی طبیبان اسلامی
۲۸۱	..... جامعه‌شناسی
۲۸۴	..... اقتصاد
۲۸۷	..... ذوق و هنر
۲۹۰	..... نمونه‌ای از اختراعات و اکتشافات مسلمین
۲۹۴	..... ترجمه کتابهای بیگانه
۳۱۴	..... کتابخانه‌های بزرگ اسلامی
۳۱۹	..... تهمت کتاب‌سوزی به مسلمین!!
۳۲۰	..... نظرات مورخان درباره نادرستی این اتهام
۳۲۶	..... نقش ایرانیان در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی
۳۳۴	..... تأثیر این فرهنگ و تمدن گسترده و شکوفا در بیداری غرب
۳۳۷	..... اعتراف یک مستشرق
۳۴۵	..... اعترافات دانشمندان دیگر
۳۴۷	..... راه نفوذ تمدن اسلامی در غرب
۳۴۹	..... بخش سوم: روش آموزش و پرورش اسلامی
۳۵۱	..... چند نکته درباره آموزش و پرورش اسلامی
۳۵۲	..... نقش آموزش و پرورش
۳۵۴	..... بند آموزگار
۳۵۹	..... مریبان‌ی فضیلت
۳۶۰	..... وظیفه معلم

- ۳۶۳ ..... وظیفه شاگرد
- ۳۶۶ ..... آزادی شرکت در زندگی فرهنگی و تمتع از هنرها
- ۳۷۱ ..... حق بهره‌مندی از منافع مادی و معنوی آثار علمی و هنری
- ۳۷۲ ..... نظر اسلام در این باره؟
- ۳۷۲ ..... دفع توهم
- ۳۷۵ ..... تعلیمات حرفه‌ای
- ۳۷۷ ..... اعترافی جالب
- ۳۷۹ ..... اجرت بر تعلیمات ضروری
- ۳۸۱ ..... اولویت والدین در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان
- ۳۸۳ ..... ماده ۲۶ و ۲۷ اعلامیه حقوق بشر
- ۳۸۳ ..... ماده بیست و ششم
- ۳۸۴ ..... ماده بیست و هفتم



## بیشگفتار

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ارمغان جاودانه‌ای که اسلام، به همراه مواهب دیگر، برای بشریت آورده و برای همیشه او را مدیون مراحم عمیم خویش قرار داد، همان «فرهنگ و تمدن انسانی جامع الاطرافی» است که هنوز جهان انسانیت از ثمرات آن بهره‌مند است.

گرچه پیش از آن تمدن و فرهنگ یونانی، رومی، ایرانی، هندی و چینی هر کدام به سهم خود رسالت خویش را در برهه‌ای از زمان انجام داده انسانیت را و امدار خویش ساخته بودند، اما هنگام ظهور اسلام همه آن فرهنگ و تمدن‌ها در حال زوال و نابودی بوده خورشید اقبال و عظمتشان می‌رفت که به کلی غروب کند زیرا صاحبان «زور و زر و تزویر» دست به دست یکدیگر داده با در جهالت نگاهداشتن توده ملت، به غارت و استثمار آنان مشغول بودند تا جایی که در سوزاندن کتابخانه‌ها و تعطیل مدارس و تفتیش عقاید و تحت شکنجه قرار دادن دانشمندان افتخار می‌کردند، چنان که «ثیودوسیوس» امپراطور بیزانس کتابخانه اسکندریه را نابود کرد، و امپراطور «زینو» مدرسه معروف «ادیسا» را که در قرن دوم



میلادی مرکز نشر علوم یونانی بود، در سال ۴۸۹ تعطیل نمود، امپراطور «ژوستی نین» مدرسه افلاطونی آتن و مدارس دیگر را از بین برد، و تحصیل دانش در ایران هند و چین، در انحصار گروه خاصی قرار گرفت، و ارباب کلیسا میلیون‌ها متفکر و اهل تحقیق را با اشکال مختلف نابود کردند و... در همین دورانی که جهان در تاریکی فرو رفته و مردم در «گمراهی آشکار» بودند، اسلام با برنامه‌های انقلابی و فرهنگ پرورش شالوده یک فرهنگ و تمدن گسترده را ریخت که نصف بیشتر کره معمور آن روز را شامل گردید که طی کردن طول و عرض کشور پهناور اسلامی نیازمند به هشت ماه راه‌پیمایی بود.<sup>(۱)</sup>

البته تمدن اسلام که بدین‌گونه وارث فرهنگ قدیم شرق و غرب شد، نه تقلید کننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود نه ادامه دهنده محض: ترکیب کننده بود و تکمیل سازنده، دوره کمال آن که با غلبه مغول به پایان آمد، دوره سازندگی بود - ساختن یک فرهنگ جهانی و انسانی - و در قلمرو چنین تمدن قاهری همه عناصر مختلف البته راه داشت: عربی، عبری، یونانی، هندی، ایرانی، ترکی و حتی چینی، اما اهمیت آن در ترکیب ساختمان و صورت اسلامی آن است که ارزش جهانی و انسانی دارد. به علاوه آنچه این تمدن را جهانی کرده است در واقع نیروی شوق و اراده کسانی است که خود از هر قوم و ملتی که بوده‌اند، به هر حال منادی اسلام بوده‌اند و تعلیم آن.

۱- «کریمر» استاد زبان فارسی و ترکی دانشگاه «لیدن» این برآورد «ابن حوقل» جغرافی‌دان معروف اسلامی را که در قرن چهارم می‌زیسته مخصوص به عصر او می‌داند و اضافه می‌کند که در قرن‌های بعد وسعت کشورهای اسلامی بیش از این مقدار بوده و در هر صورت کشور اسپانیا به حساب نیامده است (میراث اسلام، ص ۱۷۸).

بدین گونه مایه اصلی این معجون که «تمدن و فرهنگ اسلامی» خوانده می شود، در واقع اسلام بود که انسانی بود و الهی (نه شرقی و نه غربی) جامعه اسلامی هم که وارث این تمدن عظیم بود، جامعه ای بود همچون مرکز آن قرآن بود، نه شام و نه عراق، قرآن که در قلمرو آن نه مرزی موجود بود و نه نژادی، نه شرقی بود و نه غربی، در مصر یک خراسانی حکومت می کرد و در هند یک ترک، غزالی در بغداد کتاب در رد فلسفه می نوشت و ابن رشد در اندلس به آن جواب می داد.

در حوزه وسیع دنیای اسلامی، اقوام مختلف عرب، ایرانی، ترک، هندی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی به هم آمیختند، هر یک از این اقوام نیز عیب هایی داشت و مزایایی و آمیختن آن ها به یکدیگر سبب شد که مزایای بعضی اقوام، نقص ها و عیب های بعضی دیگر را جبران کند و تعاون عام (در سایه تسامح اسلامی و در اثر تأکیدی که اسلام در مورد علم کرده است) هم التقای فرهنگی های مختلف را سبب شد، هم التقاط آنها را.

بدین گونه اسلام که یک امپراطوری عظیم جهانی بود، با سماجت و تساهلی که از مختصات اساسی آن به شمار می آمد، موارث و آداب بی زیان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه ای ساخت، فرهنگ تازه ای که حدود و ثغور نمی شناخت و تنگ - نظری هایی که دنیای بورژوازی و سرمایه داری تقسیم به ملت ها، نه مرزها و نژادها کرد، در آن مجهول بود.

مسلمان از هر نژاد که بود، عرب یا ترک، سندی یا آفریقایی، در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می نهاد، خود را در وطن خویش و دیار خویش می یافت: یک شیخ ترمذی یا بلخی در قونیه و دمشق مورد تکریم و

احترام عامه می‌شد، و یک سیاح اندلس در دیار هند عنوان قاضی می‌یافت، همه جا، در مسجد، در مدرسه، در خانقاه، در بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری اما بین مسلمانان به اختلاف جنسیت مطرح بود و نه اختلاف تابعیت، همه جا یک دین بود و یک فرهنگ، فرهنگ اسلامی که فی المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی بود و بازویش ترکی، اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی، پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت: مدینه، دمشق، بغداد، ری، نیشابور، قاهره، فارس، قرطبه، قرناطه، قونیه، قسطنطنیه، کابل، لاهور، دهلی، اصفهان، سمرقند، بلخ و بخارا.

زادگاه آن همه جا بود و هیچ جا، در هر جا از آن نشانی بود و در هیچ جا رنگ خاصی بر آن قاهر نبود، اسلامی بود نه شرقی و نه غربی با این همه رشد و نمو آن در طی مدت سه چهار قرن فتوالی چنان سریع بود که فقط به معجزه شگرف می‌مانست. (۱)

بدین سان فرهنگ و تمدن انسانی اسلام، از راه اسپانیا و دیگر مناطق اسلامی که با کشورهای اروپایی همجوار بود، و رفت و آمدهای تجاری و علمی که اروپائیان با مسلمین داشتند، و اخیراً جنگ‌های صلیبی که موجب آشنایی بیشتر اروپائیان با علوم و تمدن انسانی مسلمین گردید، به اروپا راه یافت و آنان را وادار به دنباله‌روی کورکورانه از فرهنگ و تمدن انسانی مسلمین نمود که در خوردن و خوابیدن و لباس پوشیدن و غیره از آنها تقلید می‌کردند تا جایی که طبق نوشته «کریستی»: «در زمان ملکه

۱. اقتباس از کتاب نفیس «کارنامه اسلام» نوشته دانشمند محترم جناب آقای دکتر

ویکتوریا استعمال ظروف و فنجان‌های قهوه و جای با تصاویر و گل و برگ‌هایی که مخصوص مشرق بود «مد» گشت و بر سر میزی نبود که این قبیل ظروف دیده نشود، و حتی در موزه بریتانیا یک صلیب برنجی مذهب ایرلندی که متعلق به قرن نهم می‌باشد، موجود است که در وسط آن با خط کوفی جمله «بسم الله» نوشته شده است.<sup>(۱)</sup>

و یا روی درهای کلیسای «سن پیر» اطراف سیمای نورانی چهره عیسی ﷺ جمله‌ای نوشته بودند که به قول یکی از مستشرقین بعید نیست که جمله «لا اله الا الله و محمد رسول الله» باشد.<sup>(۲)</sup>

و این نشان می‌دهد که صنعتگران غربی و مردم اروپا چنان تحت تأثیر تمدن و فرهنگ اسلامی بودند که تشخیص نمی‌دادند چه چیزی را تقلید می‌کنند و گرنه جمله‌ای که مخصوص مذهب اسلام است، روی صلیب که نشانه مقدس مسیحیت است و یا اطراف چهره نقاشی شده حضرت عیسی ﷺ نمی‌نوشتند!! جای بسی تأسف است که اینک مسأله کاملاً برعکس شده: همه چیز ما غربی شده، خوردن ما، خوابیدن ما، تجارت ما، تحصیل ما ازدواج ما، و...!!!

یک روز ما استادان فلسفه، طب، اخترشناسی، ریاضیات، نقاشی، پزشکی، فیزیک، شیمی، اخلاق، حقوق، هنرهای زیبا، تاریخ، جغرافیا و ... بودیم و از اقصی نقاط عالم و از خرمن فرهنگ و تمدن ما بهره‌مند می‌شدند و اینک چنین بیچاره و زبون شده‌ایم که همواره چشم به راه آن سامانیم و همه چیز ما ملک طلق آنان!!

۱- میراث اسلامی، ص ۳۵ - ۷۱.

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۸۵.



دیروز مسلم آیت اقبال و مکرمات

امروز گو چه شد که چنین نامکرم است؟

دیروز مسلم از شرف علم سر بلند

امروز پشت مسلم و اسلامیان خم است!!

دیروز محرم حرم غیر مسلمین

امروز بین چه درحرم خود نه محرم است؟!!

آن افتدار خود چه شد وین انکسار چیست؟

آن را چگونه مبدأ و اینش چه مآختم است؟!!

برای بیداری از این خواب گران به دست آوردن عزت از دست رفته راهی بهتر از آگاهی از گذشته پر افتخار، و شناختن تعلیم و تربیت صحیح اسلامی نیست، زیرا چنین آگاهی و شناخت است که می تواند نشان دهد که چگونه یک ملتی می تواند در اثر شناخت و پیمودن راه و رسم صحیح زندگی و داشتن رهبرانی آگاه و کوشش در راه به وجود آوردن کشوری نیرومند و مستقل، دارای فرهنگ و تمدنی غنی و جامع الاطراف گردد، و بر دیگر ملل و اقوام آقایی نماید؟!!

از این رو در این کتاب، نقش اسلام را در پیشرفت فرهنگ و تمدن، و تعلیم و تربیت صحیح انسانی، مورد بررسی قرار می دهیم، باشد که منشاء تحولی گردد و «دهقان مصیبت زده از خواب بیدار شود»!!

درباره این کتاب؟

چند سال پیش، جلد اول کتاب «اسلام و حقوق بشر» را که مقایسه ای است میان اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، منتشر کردیم و

در مقدمه آن انتشار جلد دوم آن را با ذکر فهرست مطالب آن، وعده دادیم ولی متأسفانه تاکنون به عللی نتوانستیم به وعده خود وفا نماییم. و چون بخشی از آن که خود بحث مستقلی است و سال‌ها پیش، اصول مطالب آن، در مجله علمی و دینی «درس‌هایی از مکتب اسلام» منتشر شده و موانعی که برای مطالب دیگر آن وجود داشته برای آن موجود نیست، از این رو به نام «نقش اسلام در پیشرفت فرهنگ و تمدن انسانی» به نشر آن مبادرت می‌گردد، باشد که فرصتی پیش آید و موانع مرتفع شده مباحث دیگر آن نیز در معرض افکار خوانندگان محترم قرار گیرد.

همان طور که در جلد اول کتاب «اسلام و حقوق بشر» دیدیم: نظر ما مقایسه میان اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر است و لذا عین ماده ۲۶- ۲۷ اعلامیه حقوق بشر را که با مباحث این کتاب ارتباط مستقیم دارد، در پایان آن نقل می‌کنیم، تا خواننده محترم برتری جهان بینی اسلام را در این مقایسه با «رأی العین» مشاهده کرده به عظمت و جامع الاطراف بودن آن اعتراف نماید.

لاهیجان

بیستم ذی قعدة الحرام ۱۳۹۵

برابر دوم آذر ۱۳۵۲

زین العابدین قربانی